

درس پنجم

هذا خلق الله

هذا خلق الله

عندما نتذكر خلق الله في السموات والأرض لا بد أن نتذكر قول الله سبحانه وتعالى: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ فَمَا أَكْثَرَ آيَاتِ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْأَرْضِ وَمَا أَعْجَبَهَا وَسُبْحَانَ الَّذِي يَمْلِكُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

این آفرینش خداست

وقتی ما از آفرینش خدا در آسمان و زمین یاد می‌کنیم ناچار این سخن خدای سبحان را یاد می‌آوریم که فرمود: «در زمین حرکت کنید پس بنگرید چگونه خلقت آغاز شد. پس چقدر آیات خدا بر این زمین زیادند و چقدر شگفت‌آورند و ستایش مخصوص خدایی است که مالک آسمان‌ها و زمین است و او بر همه چیز تواناست.»

فقر ترجمه: آشنایی با معانی برخی افعال با حروف اضافه و معانی جملات فعلیه و اسمیه

موضوع قواعد: «الجُمْلَةُ الفَعْلِيَّةُ» و «الجُمْلَةُ الاسْمِيَّةُ»

۱. آشنایی با فعل‌های گذرا: فعل + فاعل + مفعول به

۲. ارکان جمله اسمیه: مبتدا + خبر

۳. سایر ترکیبات جمله: مضاف الیه، صفت و ...



لغات‌های جدید

رُبَمَا: چه بسا، شاید	بَطَّ: اردک	أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد
رَزِيَتْ: روغن	بَدَأَ: آغاز کرد	أَثَارَ: برانگیخت، جلب کرد
سَيَرُوا: حرکت کنید	بَرِي: خشکی، زمینی	إِبْتَعَدَ: دور شد
سَائِلَ: مایع	بُوم: جغد	إِتْجَاهَ: جهت
صُدُورَ: سینه‌ها	بَكْتِيرِيَا: باکتری	إِخْتَوَى: دربرداشت
صَوءَ: نور	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	إِسْتَطَاعَ: توانست
ظَلَامَ: تاریکی	تَنَاءَتَرَ: تأثیر می‌پذیرد	إِسْتَعَانَ: یاری جست
عَصِيرَ الْفَاكِهَةِ: آب میوه	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِضَافَةَ إِلَى: افزون بر
عَوَّضَ: جبران کرد	جَاهِزَ: آماده	إِتْبَاهَ: توجه
فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ: در یک زمان، هم‌زمان	جَدَّ: تلاش کرد	إِضَاعَةَ: نابود کردن، تباه کردن
قَدَفَ: پرتاب کرد	جُزِخَ: زخم	إِلْتَأَمَ: بهبود یافت
قَطَّ: گریه	جَاهِزَ: آماده	إِنَارَةَ: نورانی کردن
لَعَقَ: لیسید	جَدَّ: تلاش کرد	اسْتَفَادَ: استفاده کرد
مُضِي: نورانی	جُزِخَ: زخم	الأَعْشَابَ طَبِيَّةَ: گیاهان دارویی
مُظْهِرَ: پاک‌کننده	حَزَبَاءَ: آفتاب‌پرست	أَفْرَزَ: ترشح کرد
مِثَاتَ: صدها	حَلِيبَ طَازِجَ: شیر تازه	التَّقَاطُ صُورًا: عکس گرفتن
مَلَكَ: مالک شد، فرمانروایی کرد	حَرَّكَ: حرکت داد	الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ: طلا و نقره
نَجَّاحَ: موفقیت	حَوَّلَ: تبدیل کرد	السَّائِقَ: راننده
وَقَايَةَ: پیشگیری	خِزَانَةَ: انبار	الْمُتَمَلِّ: کارگران
وَجَدَ: یافت	دُونَ أَنْ: بی آن‌که	المُجَدَّ: کوشا
	دَلَّ: راهنمایی کرد	الْوَقَايَةَ: پیشگیری، نگه داشتن
	دَنَبَ: دم	انْتَبَعَتْ: فرستاده شد

متضادها

أَغْلَقَ ≠ فَتَحَ	الظَّلَامُ ≠ الضِّيَاءُ
الْحَزَّ ≠ الْعَبْدَ	إِبْتَعَدَ ≠ اقْتَرَبَ
حُسْنٌ ≠ قُبْحٌ	الْوَقَايَةَ ≠ الإِضَاعَةَ
الْعِدَاوَةَ ≠ الصَّدَاقَةَ	تَحْتُ ≠ فَوْقَ
قَامَ ≠ قَعَدَ	فَارِغٌ ≠ مَمْلُوءٌ
الْبِدَايَةَ ≠ النِّهَايَةَ	سَلِمَ ≠ حَزِبَ
صَدَقَ ≠ كَذَبَ	سَائِلٌ ≠ جَامِدٌ

مترادفها

أَنْظَرُوا = شَاهَدُوا	الْوَقَايَةَ = الْمُحَافَظَةَ
يَبْتَعَثُ = يُرْسِلُ	المُجِدُّ = المَجْتَهِدُ
تُحَوَّلُ = تُعَيَّرُ	النَّجَّاحُ = التَّوْفِيقُ
يَسْتَطِيعُ = يَقْدِرُ	عَنِيمٌ = سَحَابٌ
ظَلَبَ = دَعَا	حُجْرَةٌ = عَرَفَةٌ
تَعْرِفُ = تَعْلَمُ	قَدَفَ = رَمَى
إِسْتَعْمَلَ = اسْتَفَادَ	جَاهِزٌ = حَاضِرٌ

جمع‌های مکسر

أَعْمَاقَ: عُمُقٌ	الأَعْشَابَ: العُشْبُ
المَصَابِيحَ: مِصْبَاحٌ	أَذْنَابَ: دَنَبٌ
أَصْوَاءَ: ضَوْءٌ	المُدُنَ: المَدِينَةُ
عُيُونَ: عَيْنٌ	خِرَاتِنَ: حَزِينَةُ
الْأَسْرَارَ: السِّرُّ	صُدُورَ: صُدْرٌ
الْأَمَاكِنَ: المَكَانُ	الأَحْرَارَ: الحُرُّ
العِبَادَ: العَبْدُ	جَوَاسِيِسَ: جَاسُوسٌ

هذا خلق الله

این آفرینش خداست

درس پنجم

الغواصون الذين ذهبوا إلى أعماق المحيط ليلاً، شاهدوا مئات المصابيح الكهربائية
غواصانی که در اعماق اقیانوس هنگام شب رفتند صد‌ها چراغ برقی را مشاهده کردند

ذات ألوان متعددة التي يتبعث ضوءها من الأسماك المضيئة، وتحوّل ظلام البحر إلى
با رنگ‌های متعدد که نورشان از ماهی‌های نورانی برمی‌آید و تاریکی دریا را به

نهار مضيء يستطيع فيه الغواصون التقاط صور في أضواء هذه الأسماك.

روشنایی روز تبدیل می‌کند و غواصان می‌توانند عکس برداری کنند در زیر نورهای این ماهی‌ها.

اكتشف العلماء أنّ هذه الأضواء تنبعث من نوع من البكتيريا المضيئة التي
دانشمندان کشف کرده‌اند که این نورها از نوعی باکتری درخشان برمی‌آید که

تعيش تحت عيون تلك الأسماك. هل يمكن أن يستفيد البشر يوماً
زندگی می‌کند زیر چشمان آن ماهی‌ها، آیا بشر می‌تواند که استفاده کند روزی

من تلك المعجزة البحرية ويستعين بالبكتيريا المضيئة لإضاءة المذن؟
از آن معجزه دریایی و از باکتری درخشان برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟

ربما يستطيع ذلك لأنه «من طلب شيئاً وجد».

شاید که بتواند چرا که «هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند آن را به دست می‌آورد».

إنّ لسان القط سلاح طبيّ دائر، لأنّه مملوءٌ بغددٍ تفرزُ سائلاً مطهراً

به راستی زبان گربه سلاحی درمانی همیشگی است زیرا که پر است از غددی که مایعی پاک‌ترشح می‌کند

فيلعق القط جرحه عدة مراتٍ حتى يلتئم.

و گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا بهبود یابد.

اگر قبل از فعل مضارع «أن» یا «حتى» بیاید معنی مضارع اخباری به «مضارع التزامی»

تغییر می‌کند:

أن يستفيد: که استفاده کند حتى يلتئم: تا بهبود یابد أن تُدير: که بچرخاند

إنّ بعض الطيور والحيوانات تعرفُ بعريزتها الأعشاب الطبية وتعلمُ كيف
به راستی برخی پرندگان و حیوانات با غریزه خود گیاهان طبی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه

تستعملُ العشب المناسب للوقاية من الأمراض المختلفة؛ وقد دلت هذه الحيوانات
گیاه مناسب را برای جلوگیری از بیماری‌های مختلف به کار برند؛ این حیوانات

الإنسان على الخواص الطبية لكثير من النباتات البرية وغيرها.

انسان را به خواص طبی بسیاری از گیاهان خشکی و غیره راهنمایی کرده‌اند.

إنّ أغلب الحيوانات إضافة إلى امتلاكها للغة خاصة بها، تملك لغة عامة
در واقع بیشتر حیوانات علاوه بر برخورداری از زبانی مختص به خود دارای زبانی عمومی‌اند

تستطيع من خلالها أن تتفاهم مع بعضها؛ فللغراب صوتٌ يحذرُ به بقية

که در ضمن آن می‌توانند که یک‌دیگر را متوجه کنند؛ کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به سایر

الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ يَمْنَزِلُهُ جَاسُوسِينَ مِنْ حَيَوَانَاتٍ هَشْدَارٍ مِي دَهِد تَا بَه سَرَعَتِ اَز مَنَاطِقَهُ خَطَرِ دُورِ شُونَدِ وَاو بَه مَنَزَلَه جَاسُوسِي اَز

جواسیس الغابّة.

جاسوس های جنگل است.

لِلْبَطِّ خِرَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أذْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْناً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى اَرْدِكِ اِنْبَارِهَایِ طَبِيعِيّی نَزْدِیکِ دُمِ هَایِ خُودِ دَارِدِ وَرُوغِنِ خَاصِی رَا دَرِ خُودِ دَارِدِ کِه رُوی

أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

بَدَنِ خُودِ پَخْشِ مِی کُنَدِ تَا آبِ بَه آن اَثَرِ نَکُنَدِ.

تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي إِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرِكَ

أَفْتَابِ پَرَسْتِ مِی تَوَانَدِ چَشْمَانَشِ رَا بَچَرِخَانَدِ دَرِ جِهَتِ هَایِ مُخْتَلَفِ بَدَنِ بَدُونِ اَیْنِ کِه سَرِشِ رَا حَرِکَتِ

رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي إِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

دَهِدِ وَاو مِی تَوَانَدِ کِه هَرِ دُو جِهَتِ رَا دَرِ یَکِ زَمَانِ بَیْنَدِ

گاهی حرف «لِ» به همراه يك اسم معنی «دارد» می دهد، بنابراین در ترجمه بهتر است به جای کلمه «برای» به آخر جمله «دارد» اضافه نمود. ممکن است دانش آموز در ترجمه این کلمات دچار اشتباه شوند.

لِلغُرَابِ صَوْتُ: کَلَاغِ صَدَائِي دَارِدِ لِلْبَطِّ خِرَانَاتٌ: اَرْدِكِ اِنْبَارِهَائِي دَارِدِ

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا

چَشْمِ جَعْدِ حَرِکَتِ نَمِی کُنَدِ، چَرَا کِه ثَابِتِ اسْتِ وِلی اَیْنِ نَقْصَانِ بَا حَرِکَتِ سَرِشِ دَرِ

فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ

هَرِ قِسْمَتِي جَبْرَانِ مِی کُنَدِ وَ مِی تَوَانَدِ سَرِشِ رَا کَامِلاً بَچَرِخَانَدِ بَدُونِ اَیْنِ کِه

تُحْرِكَ جِسْمَهَا.

بَدَنِ خُودِ رَا حَرِکَتِ دَهِدِ.

فَن التَّرْجَمَةِ

آشنایی با ساختار فعل مضارع التزامی

يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُرْزُقُ: روزی می‌دهد
يَغْفِرُ: می‌آمرزد	يَفْهَمُ: می‌فهمد
أَسْأَلُ: می‌پرسم	يُدِيرُ: می‌چرخاند
يَسْتَفِيدُ: بهره می‌برد	يَذْهَبُ: می‌رود

این فعل‌ها، فعل‌های مضارعی هستند که آخرشان «ضمه» دارد و معنی آن‌ها در فارسی نیز «معادل مضارع» اخباری است. یعنی آغاز این فعل‌ها «می» می‌آید. می + بن فعل ← مضارع اخباری

حال اگر قبل از این افعال حرف «أَنْ» به معنی «که» بیاوریم دو چیز اتفاق می‌افتد:

۱. اعراب آخرین فعل‌ها به «فتحه» تبدیل می‌شود.

۲. معنی این افعال در فارسی، معادل «مضارع التزامی» می‌شود.

أَنْ يَكْتُبُ: که بنویسد	أَنْ يُرْزُقُ: که روزی می‌دهد
أَنْ يَغْفِرَ: که بیامرزد	أَنْ يَفْهَمَ: که بفهمد
أَنْ أَسْأَلَ: که بپرسم	أَنْ يُدِيرَ: که بچرخد
أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد	أَنْ يَذْهَبَ: که برود

بنابراین حرف «أَنْ» معنی فعل مضارع را از «مضارع اخباری» به «مضارع التزامی» تبدیل می‌کند و معمولاً در وسط جمله می‌آیند:

أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ: می‌خواهم که بروم.

اخباری التزامی

مثال اکنون آیات زیر را ترجمه کنید:

۱. ﴿تَرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾

۲. ﴿أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَةَ الدَّابُّ﴾

۳. ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾

پاسخ

۱. می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند پس چه دستور می‌دهید.

۲. می‌ترسم که گرگ او را بخورد.

۳. به راستی ما طمع داریم که خدا خطاهایمان را برای ما ببامرزد.

حوارات (مع سائق سيارة الأجرة)
گفت و گوها (با راننده ماشین کرایه‌ای)

سائقُ سَيَّارَةُ الأَجْرَةِ
راننده ماشین کرایه‌ای

السَّائِحُ
گردشگر

أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ، تَفَضَّلُوا.
من در خدمت شما، هستم بفرمایید.

أَيُّهَا السَّائِحُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
ای راننده، می‌خواهیم که به مدائن برویم.

أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا، عَجِيبٌ لِمَ تَذْهَبُونَ
إِلَى الْمَدَائِنِ؟
گمان می‌کنم مسافت سی و هفت کیلومتر است، عجیب است.
برای چه به مدائن می‌روید؟

كَمْ الْمَسَافَةُ مِنَ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
از بغداد تا این جا چقدر مسافت است؟

لِإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلًا مِنَ الزَّوَارِ.
زیرا به مدائن کسی نمی‌رود مگر تعدادی از زائران.

لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كَسْرَى؛
برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری
لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟
برای چه تعجب می‌کنی؟

زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِجَمِيعٍ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
زیارت برای همه قبول، آیا می‌دانی که سلمان فارسی کیست یا نه؟

فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ
الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجْفِ وَ سَامِرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ.
در آغاز به زیارت عتبات مقدسه در شهرهای چهارگانه کربلا
و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.

أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كَسْرَى؟
آفرین، و آیا اطلاعاتی درباره طاق کسری داری؟

نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَأَصْلُهُ مِنْ أَصْفَهَانَ.
بله، او را می‌شناسم، زیرا او از یاران پیامبر (ص) است و اصل
آن از اصفهان است.

مَا شَاءَ اللهُ بَارَكَ اللهُ فِيكَ!
ما شاء الله آفرین بر تو!
معلوماتك كثيرة!
اطلاعات شما بسیار است!

بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ
حتمًا، در واقع او یکی از قصرهای پادشاهان ساسانیان قبل
از اسلام است.
قَدْ أُنْشِدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا
إِيوَانَ كَسْرَى؛
دو شاعر بزرگ هنگام مشاهده ایوان کسری دو قصیده سروده‌اند
البُحْتَرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ وَ خَاقَانِيُّ، الشَّاعِرِ الْإِيرَانِيِّ.
بُحْرِيّ از بزرگ‌ترین شاعران عرب و خاقانی، شاعر ایرانی

تمرین‌های امتحانی ترجمه

التمرین الأول - أكْمِلِ التَّرْجَمَةَ عَلَى حَسَبِ الدَّرْسِ:

۱. لَا تَتَحَرَّكَ عَيْنُ الْبُومَةِ وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْضَ.
 ۲. الْجِرْبَاءُ تُدِيرُ عَيْنَيْهَا فِي إِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
 ۳. لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.
 ۴. لِسَانُ الْقَيْظِ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
 ۵. قَدْ أَشَدَّ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ.
 ۶. حَبْرٌ نَجَاحٍ فَرِيقَنَا أَثَارَ إِثْبَاتِهِ زَمَلَانَنَا.
 ۷. اللَّوْنُ الْبَنَفْسَجِيُّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيُّ الْأَعْصَابِ.
 ۸. يَسْتَطِيعُ الْغَوَاصُّونَ التَّقَاطُفَ صَوْرًا فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.
 ۹. تَسْتَعْمِلُ الطَّيُورُ الْعُشْبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ.
- چشم حرکت نمی‌کند ولی او این نقص را
 چشمانش را در مختلف می‌چرخاند.
 عاقل سخن کسی را که بسیار را
 زبان پراست از غددی که پاک را ترشح می‌کند.
 دو شاعر بزرگ را
 خیر موفقیت ما توجه هم‌کلاسی‌های ما را
 رنگ بنفش برای اتاق اعصاب است.
 غواصان عکس بگیرند در این ماهی‌ها.
 پرندگان گیاه را برای از بیماری‌ها.

التمرین الثاني - عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَظِّ:

۱. تُحَوِّلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ:
 ۲. يَسْتَعِينُ الْإِنْسَانُ بِالْبَكْتِيرِيَاءِ لِلْإِنَارَةِ الْمُدُنِ:
 ۳. صَبَّرَتْ الْحَرَارَةُ ثُلُوجَ الْجِبَالِ مَاءً:
 ۴. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ:
 ۵. شَاهَدُوا مَنَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ:
 ۶. تَعْرِفُ الْحَيَوَانَاتُ بِغَرِيظَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيَّةِ:
 ۷. فَحَصَّ الطَّبِيبُ الْمَاهِرُ الْمَرِيضَ:
 ۸. سَحَبَ الْأَعْصَاؤُ الْأَشْيَاءَ الصَّغِيرَةَ إِلَى السَّمَاءِ:
 ۹. الْعُدُدُ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا:
 ۱۰. تَخْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا:
- (سایه، تاریکی، اعماق)
 (روشن کردن، خاموش کردن، آتش زدن)
 (آب کرد، از بین برد، گرداند)
 (گنج، ذخایر، ثروت)
 (صد، صداهای هزاران)
 (ریشه‌ها، داروها، گیاهان)
 (معاینه کرد، جست‌وجو کرد، نسخه نوشت)
 (گردباد، ابرها، کشید)
 (ترشح می‌کند، می‌ریزد، می‌دهد)
 (مایع، روغن، جامد)

التمرین الثالث - عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ:

۱. هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي إِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.
- الف. او می‌تواند هم‌زمان جهت‌ها را مشاهده کند.
- ب. او هم‌زمان می‌تواند دو جهت را ببیند.
۲. فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ.
- الف. پس برای کلاغ صدایی است که سایر حیوانات را می‌ترساند.
- ب. پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد.
۳. مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ.
- الف. هرکس چیزی خواست و یافت، موفق شد.
- ب. آن‌که چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.
۴. رَجَاءٌ حَزَنٌ وَلَكِنْ لَا تَتَبَعِدُ عَنَّا كَثِيرًا.
- الف. لطفاً حرکت کن ولی از ما زیاد دور نشو.
- ب. خواهش می‌کنم حرکتی کن و همه را از ما دور کن.

۵. حُسْنُ الْأَدَبِ يَشْتَرُ فُتْحَ النَّسَبِ.
الف. ادب نيك، زشتی عمل را از بین می برد.
ب. ادب نیک، زشتی نَسَب را می پوشاند.
۶. ﴿سَيَرُوا فِي الْأَرْضِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾
الف. در زمین مسافرت کنید و ببینید که چگونه آفرینش به وجود آمد.
ب. در زمین حرکت کنید و بنگرید چگونه آفرینش آغاز شد.
۷. نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى الْوَالِدِيهِ حُبًّا لَهَا عِبَادَةً.
الف. وقتی فرزندی به پدرش با محبت نگاه کند آن عبادت است.
ب. نگاه فرزند از روی عشق و محبت به پدر و مادر عبادت است.
۸. تُحَوَّلُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيِّءٍ.
الف. عمق دریا را مثل روز روشن کرد.
ب. تاریکی دریا را به روشنی روز تبدیل می کند.
۹. تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا.
الف. می تواند سرش را بچرخاند بدون این که بدنش را حرکت دهد.
ب. بدون این که جسم خود را تغییر دهد توانست سرش را بگرداند.

التمرین الرابع - أكمل الجملات مُستفيداً للكلمات التالية:

«وَجَدَ - لُغَةً - طَيَّارٍ - الْحِرْبَاءُ - صِدَاقَةً - الْوَقَايَةَ»

۱. يُرْسِلُ أخبار الغابة إلى الحيوانات.
۲. عَيُونُ الْبُومَةِ لَا تَتَحَرَّكُ وَلَكِنْ ذاتُ عَيُونٍ متحركة.
۳. قامت الحكومة بإرسال طائفة بدون
۴. تَمَلِّكُ الحيوانات عامة تستطيع أن تتفاهم مع بعضها.
۵. عداوة العاقل خيرٌ من الجاهل.
۶. تستعمل الطيور الأعشاب لـ من الأمراض.
۷. مَنْ طَلَبَ شيئاً وجدَّ

التمرین الخامس - أرسم خطأ بين الكلمات و العبارات المتناسبة:

۱. كَثْرًا يَنْفَدُ. الف. الغراب
۲. نَلْتَقِظُ فِي السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ. ب. الصورة
۳. يُرْسِلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ إِلَى الْحَيَوَانَاتِ. ج. القناعة
۴. عُذْدُ لِسَانِ الْقَيْظِ مَمْلُوءٌ بِهِ وَهُوَ مُطَهَّرٌ. د. السائل
 هـ. الحرياء

التمرین السادس - أكتب المطلوب (المترادف، المتضاد، الجمع المكشور و الترجمة):

۱. الشُّوَحُ (بالفارسية):
۲. العداوة ≠
۳. الأحرار ← (مفردها):
۴. المُدْرَسَاتُ =
۵. حليب طازج (بالفارسية):
۶. البداية ≠
۷. الأذنان ← (مفردها):
۸. يَتَّبِعْتُ =
۹. الإضاعة (بالفارسية):
۱۰. الصِّدَاقَةُ =
۱۱. فَرِحَ ≠
۱۲. قَذَفَ =
۱۳. اقْتَرَبَ ≠
۱۴. مِنْ فَضْلِكَ =
۱۵. غَنِمَ =
۱۶. إِسْتِطَاعٌ =
۱۷. فَارِغٌ ≠

التمرین السابع - عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي المَعْنَى أَوْ التَّوَعَّ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

- | | | | | | | | |
|---------------|--------------------------|-----------|--------------------------|-----------------------|--------------------------|------------|--------------------------|
| ۱. لِسَان | <input type="checkbox"/> | نَبَات | <input type="checkbox"/> | رَأْس | <input type="checkbox"/> | ذَنْب | <input type="checkbox"/> |
| ۲. إِخْلَاص | <input type="checkbox"/> | الْحَسَدَ | <input type="checkbox"/> | إِسْتِغْفَار | <input type="checkbox"/> | إِقْتَدَرَ | <input type="checkbox"/> |
| ۳. زَيْت | <input type="checkbox"/> | مَاء | <input type="checkbox"/> | زُجَاجَةٌ | <input type="checkbox"/> | شَاى | <input type="checkbox"/> |
| ۴. عَرَبِيَّة | <input type="checkbox"/> | وَقَايَةٌ | <input type="checkbox"/> | سَيَّارَةُ الأَجْرَةِ | <input type="checkbox"/> | حَافِلَةٌ | <input type="checkbox"/> |
| ۵. نَبَات | <input type="checkbox"/> | حَقِيبَةٌ | <input type="checkbox"/> | عُشْبٌ | <input type="checkbox"/> | وَرْدَةٌ | <input type="checkbox"/> |

التمرین الثامن - صَحِّحِ الأَخْطَاءَ فِي التَّرْجَمَةِ:

۱. تَطْرُدُ الحَيَوَانَاتُ الحَشْرَاتِ بَدَنِهَا.
 ۲. كَانَتْ تَطْنُ المَسَافَةَ سَبْعَةً وَثَلَاثِينَ كِیلُومِتْرًا.
 ۳. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
- حيوانات حشرات را با دم خود رانند.
گمان می‌کند که مسافت هفتاد و سه کیلومتر است.
بندگان خدا را دوست دارم که خدا برای عبادت به آن‌ها سود می‌رساند.

التمرین التاسع - إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ:

مِن عَجَائِبِ المَخْلُوقَاتِ فِي هَذَا العَالَمِ هِيَ الأَسْمَاكُ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ البِحَارِ وَبَعْضُ هَذِهِ الأَسْمَاكِ تُحَوِّلُ ظِلَامَ البَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ الغَوَاصُونَ إِتْقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الأَسْمَاكِ إِكْتِشَافَ العُلَمَاءِ أَنَّ هَذِهِ الأَضْوَاءَ تَتَّبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ البَكْتِيرِيَا المُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الأَسْمَاكِ.

۱. مَا هِيَ عَجَائِبُ المَخْلُوقَاتِ فِي البِحَارِ؟
۲. كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الغَوَاصُونَ إِتْقَاطَ صُورٍ فِي ظِلَامِ البِحَارِ؟
۳. كَيْفَ تُضِيءُ الأَسْمَاكُ أَعْمَاقَ البِحَارِ؟
۴. عَيِّنِ مَحَلَّ الإِعْرَابِ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحِطِّ:

التمرین العاشر - كَمِّلِ الفَرَاغَاتِ فِي تَرْجُمَةِ الآيَاتِ إِلَى الفَارْسِيَةِ:

۱. ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
بگو به راستی خداوند قادر است که آیه ای را ولی بیشتر آنان
۲. ﴿شُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
..... پس ما را از عذاب نگه دار.
۳. ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾
..... که شما را از سرزمینتان پس چه فرمان می‌دهید.
۴. ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخَذْتَ﴾
پروردگارا هر که را تو به او را
۵. ﴿وَلَا تُخْرِنَا يَوْمَ القِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ المِيعَادَ﴾
و ما را در روز قیامت همانا تو از وعده
۶. ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾
به راستی ما که پروردگارا ما خطاهایمان را
۷. ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾
خدای من؛ به راستی من به تو که از تو آن چه را که من بدان علم ندارم.
۸. ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ﴾
ای پروردگارا ما، قطعاً، صدای را شنیدیم که برایمان دعوت می‌کرد که به پروردگارتان

پاسخ تمرین های امتحانی ترجمه

- ۳ الأحرار ← حُرّ
- ۴ المدزسات = المعلمات
- ۵ حليب طازج: شیر تازه
- ۶ البداية ≠ النهاية
- ۷ الأذنان ← ذنَب
- ۸ يَنْبَعُثُ = يُرْسَلُ
- ۹ الإضاعة: نابود کردن
- ۱۰ الصداقة ≠ العداوة
- ۱۱ فرح ≠ حزن
- ۱۲ قَدَفَ = زَمَى
- ۱۳ إقْتَرَبَ ≠ إبتَعَدَ
- ۱۴ من فَضِّلِكَ = رجاء
- ۱۵ غَمِيم = سحاب
- ۱۶ إستطاع = قَدَرَ
- ۱۷ فارغٌ ≠ مَمْلوء

التمرین السّابع

- ۱ نبات
- ۲ إقتدر
- ۳ زُجاجة
- ۴ وقاية
- ۵ حقیقة

التمرین الثامن

- ۱ حیوانات حشرات را با دُمشان می رانند.
- ۲ گمان می کرد که مسافت سی وهفت کیلومتر است.
- ۳ محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

التمرین التاسع

- ۱ من عجائب المخلوقات هي الأسماك التي تعيش في اعماق البحار و تحوّل ظلام البحر الى نهار مُضىء.
- ۲ لِأَنَّ الأسماک تُضِيءُ أعماق البحار.
- ۳ تنبعثُ الأضواء من نوع من البكتيريا التي تعيش تحت عُيون تلك الاسماك
- ۴ بعضٌ: مبتدا، ظلام: مفعول، الغواصون: فاعل، العلماء: فاعل

التمرین العاشر

- ۱ فرو آوزد - نمی دانند
- ۲ پاکی تو - آتش
- ۳ می خواهد - بیرون کند
- ۴ آتش افکنی - خوار ساخته ای
- ۵ رسوا نکن - تخلف نمی کنی، خوار نکن
- ۶ طمع داریم - بیمارزد
- ۷ پناه می برم - درخواست کنم
- ۸ پیام دهند - ایمان آورید

التمرین الأول

- ۱ جغد - جبران می کند
- ۲ آفتاب پرست - جهت های
- ۳ دروغ می گوید - باور نمی کند
- ۴ گربه - مایعی
- ۵ دو قصیده - سراییدند
- ۶ تیم - برانگیخت
- ۷ خواب - آرام بخش
- ۸ می توانند - روشنائی های
- ۹ به کار می برند - پیشگیری، نگهداری

التمرین الثاني

- ۱ تاریکی
- ۲ روشن کردن
- ۳ گرداند
- ۴ گنج
- ۵ صدها
- ۶ گیاهان
- ۷ معاینه کرد
- ۸ کشید
- ۹ ترشح می کند
- ۱۰ روغن

التمرین الثالث

- ۱ گزینه «ب»
- ۲ گزینه «ب»
- ۳ گزینه «ب»
- ۴ گزینه «الف»
- ۵ گزینه «ب»
- ۶ گزینه «ب»
- ۷ گزینه «ب»
- ۸ گزینه «ب»
- ۹ گزینه «الف»

التمرین الرابع

- ۱ الغراب
- ۲ الجریاء
- ۳ طیار
- ۴ لُغَةٌ
- ۵ صداقة
- ۶ الوقایة
- ۷ وجد

التمرین الخامس

- ۱ القنائة
- ۲ الصّورة
- ۳ العُراب
- ۴ السائل

التمرین السادس

- ۱ السّواح: گردشگر
- ۲ العداوة ≠ الصداقة

درسنامه قواعد

الجملة الفعلية و الجملة الاسمية

به عبارات زیر دقت کنید:

۱. ﴿سَبَرُوا فِي الْأَرْضِ فَأَنْظَرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾.
۲. تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا ...
۳. يَنْبَغُ صَوْنُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيِّةِ.
۴. الْقَوَاصُونَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ ...
۵. لِسَانُ الْقَيْطِ سَلَاخٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ.
۶. بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيَّةَ.

جملات اول، دوم و سوم چگونه شروع شده‌اند و جملات بعدی چگونه؟

اگر کمی دقت نمایید جملات آغازین با فعل شروع شده‌اند و سه جمله پایانی با اسم ...

به جملاتی که با فعل شروع شوند «جمله‌ی فعلیه» و به جملاتی که با اسم آغاز می‌شوند «جمله‌ی اسمیه» گویند:

ازکان اصلی جمله فعلیه؛ فعل + فاعل است و اگر فعل جمله متعدی (گذرا) هم باشد علاوه بر «فاعل»؛ «مفعول» نیز به جمله فعلیه اضافه می‌شود. بنابراین، اسم‌هایی که بعد از فعل می‌آیند معمولاً «فاعل» جمله و اسم‌هایی که بعد از فاعل می‌آیند «مفعول» جمله‌اند. مثال:

يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ
فعل فاعل مفعول

نکته

معمولاً در عربی، اعراب اسمی که فاعل است، مرفوع (شُ) و اسمی که مفعول است منصوب (سَ) می‌باشد؛ بنابراین اگر جملات اعراب‌گذاری شده باشند اسم‌های مرفوع بعد از فعل، «فاعل» اند و اسم‌های منصوب بعد از فاعل، «مفعول» اند.

«فعل»، انجام کاری در يك زمان معین است (ماضی و مضارع) و «فاعل» کننده کار است. در این صورت هیچ فعلی بدون فاعل امکان ندارد بیابند و هرگاه در جملات، فعلی را دیدید، حتماً بعد از آن فاعل جمله را ذکر کنید؛ ضمن این‌که فاعل همیشه بعد از فعل می‌آید و از نظر مؤنث و مذکر بودن با فعل خود مطابق است. مفعول نیز کار بر روی آن انجام گرفته و معمولاً در جواب چه کسی را؟ و چه چیزی را؟ می‌آید و گاهی می‌تواند قبل از فاعل بیاید. مثال:

شَاهَدَ لَكَ الْأُسْتَاذُ فِي السَّاحَةِ
فعل مفعول فاعل

مثال

اکنون در جملات زیر فعل، فاعل و مفعول را مشخص کنید:

۱. تُحَرِّكُ الْجِرْبَاءُ رَأْسَهَا
۲. تُعَوِّضُ الْبُومَةُ النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
۳. يُحَدِّثُ الْغَرَابُ بِصَوْتِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ
۴. تَسْتَعْمِلُ بَعْضُ الطُّيُورِ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلِقَوَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ.

پاسخ

۱. تُحَرِّكُ: فعل، الْجِرْبَاءُ: فاعل، رَأْسُ: مفعول
۲. تُعَوِّضُ: فعل، الْبُومَةُ: فاعل، النِّقْصُ: مفعول
۳. يُحَدِّثُ: فعل، الْغَرَابُ: فاعل، بَقِيَّةَ: مفعول
۴. تَسْتَعْمِلُ: فعل، بَعْضُ: فاعل، الْعُشْبُ: مفعول

نکته

ضمایر متصل (هُ، هُما، هُم ... ی، نا) هرگاه به فعل بچسبند، مفعول و هرگاه به اسم بچسبند، مضاف‌الیه‌اند. به ترکیب جملات و معانی آن‌ها دقت کنید:

هَذَا كِتَابُكَ ← این کتاب تو است
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

يَعْفِرُكَ اللهُ ← خدا تو را می‌آمرزد
مفعول مفعول

ارکان جمله اسمیه، مبتدا + خبر است.

مبتدا اغلب در آغاز جمله اسمیه و خبر نیز بعد از آن می آید.

خبر در واقع خبری درباره، مبتدا می دهد و می توان گفت همان مُسند فارسی است. به مثال زیر دقت نمایید:

و خداوند بر همه چیز توانا است ← **وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

در عبارت فارسی بالا «خداوند»، نهاد و «توانا» مسند است در ترجمه عربی آن، «اللَّهُ» مبتدا و «قَدِيرٌ» خبر است.

خبر می تواند خود يك جمله فعلیه باشد. مثلاً شما می توانید فاعل را که بعد از فعل آمده در آغاز جمله قرار دهید، با این عمل فاعل تبدیل به مبتدا شده و جمله اسمیه می شود.

به مثال زیر توجه کنید:

تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ ظِلَامَ الْبَحْرِ ← **الْأَسْمَاكُ تُحَوَّلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ**

فعل فاعل مبتدا خبر (جمله فعلیه)

مبتدا و خبر اگر هر دو اسم باشند از نظر اعراب «مرفوع» اند:

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ **ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ**

مبتدا خبر مبتدا خبر

معمولاً در جملات، فارسی و عربی، برای کامل کردن معنی یا مفهوم جمله می توان علاوه بر نقش های اصلی، به آن ها مضاف الیه یا صفت یا نقش های دیگری هم اضافه کرد. مثلاً در عربی علاوه بر صفت و مضاف الیه می توان جار و مجرور نیز برای جملات آورد.

به مثال های زیر توجه کنید:

يُنْبَعِثُ ضَوْءٌ هَا مِنْ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ

فعل فاعل مضاف الیه جار و مجرور صفت

بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ تُعْرِفُ بَغْرِيزَتَهَا **الْأَعْشَابُ الطَّبِيبَةُ**

مبتدا مضاف الیه خبر جار و مجرور مضاف الیه مفعول صفت

مثال اکنون در جملات زیر نقش همه کلمات آن ها را مشخص کنید:

۱. **قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِيبَةِ.**

۲. **أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ تَمْتَلِكُ لُغَةً عَامَّةً.**

۳. **شَاهَدَ الْغَوَاصُونَ الْمَصَابِيحَ الْكَهْرِبَائِيَّةَ مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ.**

۴. **لِسَانُ الْقَيْظِ سِلَاحٌ طَبِيبٌ دَائِمٌ وَ هُوَ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.**

پاسخ

۱. قد دلت: فعل، هذه: فاعل، الانسان: مفعول، على الخواص: جار و مجرور، الطيبية: صفة

۲. اغلب: مبتدا، الحيوانات: مضاف الیه، تملك: جمله فعلیه و خبر، لغة: مفعول، عامة: صفة

۳. شاهد: فعل، الغواصون: فاعل، المصابيح: مفعول، الكهربائية: صفة، من الأسماك: جار و مجرور، المضيئة: صفة

۴. لسان: مبتدا، القَيْظِ: مضاف الیه، سلاح: خبر، طَبِيبٌ دَائِمٌ: صفة، هُوَ: مبتدا، مملوء: خبر، بِغَدِيدٍ: جار و مجرور، تُفَرِّزُ: فعل، سَائِلًا: مفعول، مُطَهَّرًا: صفة

تمرین های امتحانی قواعد

التمرین الأول - عین الفعل و الفاعل و المبتدا و الخبر في الجملات التالية:

۱. المدرسات ينتظرن أن تفرغ المدرسة.
۲. الشكوت ذهب و الكلام فضة.
۳. يشرب الرجل المريض عصير الليمون.
۴. قامت الحكومة بإرسال طائرة بدون طيار.
۵. إنما يتقبل الله من المتقين.

التمرین الثاني - أكمل الفراغ بالكلمة المناسبة:

۱. فاطمة و صديقتها إلى المكتبة: (ذهبت، ذهب، ذهبا)
۲. المعلمون ولا يكذبون الناس: (يصدقون، تصدقون، يصدقون)
۳. عداوة العاقل من صدقة الجاهل: (خير، صدق، عبادة)
۴. فحص الطبيب الماهر: (المريض، الماء، الكثر)
۵. ﴿..... قومك من الظلمات إلى النور﴾: (يخرج، أخرج، تخرج)

التمرین الثالث - عین المحل الاعرابي للكلمات التي تحتها خط:

۱. سأله أحد أصدقائه.
۲. حُسن الأدب يشترقبح النسب.
۳. يُفرز لسان القظ سائلاً مطهراً.
۴. الأنجم دررٌ مُتشيعة.
۵. اللون البنفسجي لفرقة التوم مهدئي الأعصاب.
۶. ﴿فد جاءتكم مؤعظة من ربكم﴾
۷. سحب الإعصار الأشياء الصغيرة إلى السماء.
۸. العاقل يفتيم الفرصة في الحياة.

التمرین الرابع - أكتب الإعراب المطلوب:

۱. نظّر الولد إلى والديه حباً لهما عبادة. المضاف اليه: الخبر: المبتدا:
۲. العاقل يفتيم الفرصة في الحياة. المفعول: الفعل: المضاف اليه:
۳. تمارش طالبات الجامعة نشاطاً حراً. المفعول: الفعل: المضاف اليه:
۴. لا تحرك عين التومة فهي ثابتة. الفاعل: المضاف اليه: الخبر:
۵. الأسماك المضيفة تحوّل ظلام البحر. المبتدا: الخبر: الفعل:
۶. التقط صديقي صورة جميلة أثارَتْ إنتباهي. الفاعل:، المفعول: الصفة:
۷. أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده. المبتدا: الخبر: الجار والمجرور:

التمرین الخامس - صغ في الفراغ كلمة مناسبة ثم ترجمها:

«يبتعد - لاشرک - إستماع - لا تكيل - اغتصموا - لا تخرجي - إكراه - تعارفتهم - أنزلوا - إنبعث»

الترجمة:	الفعل الماضي ۱.	الفعل المضارع ۲.	المصدر ۳.	الأمر المخاطب ۴.	فعل النهي ۵.
.....
الترجمة:

التمرين السادس - صحح الأخطاء في ما أُشير إليه بخط:

١. الذي شاهدوا هذه المنظر غضبوا.
٢. يستطيع الحيوانات أن تتفاهم مع بعضه.
٣. تلغق القط جرحها حتى يلتئم.
٤. أخرج قومتك من الظلمات.
٥. العمل الصالحون يرفعان درجة الإنسان.

التمرين السابع - ترجم الجملات التالية ثم عين الإعراب ما أُشير إليه بخط:

١. ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
٢. أكبر الحمق الإغراق في المدح والذم.
٣. ﴿اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
٤. عدواة العاقل خير من صداقة الجاهل.
٥. ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾
٦. ﴿أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ﴾
٧. ﴿يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾
٨. سيّد القوم خادمهم في السفر.

التمرين الثامن - عين الجواب الصحيح:

١. الماضي من تحركت: تحركت حركت تحركت
٢. التهي من تنزل: لا تنزل لا تنزل لا تنزل
٣. على وزن «استفعال»: إستراق إستماع إستخدام

پاسخ تمرین‌های امتحانی قواعد

التمرین الأول

- ۱ المدرّسات: مبتدا
- تَفْعُ: فعل
- ۲ السّكوت و الكلام: مبتدا
- يَشْرَبُ: فعل
- ۳ قائم: فعل
- يَتَقَبَّلُ: فعل
- ۴ المدرسة: فاعل
- ذَهَبَ و فِضَّة: خبر
- الرَّجُلُ: فاعل
- الحكومة: فاعل
- الله: فاعل

التمرین السادس

- ۱ الذّین - هذا
- ۲ تَسْتَطِيعُ - ها
- ۳ یَلْعَنُ - هـ
- ۴ أَخْرَجَ
- ۵ الضّالّخ - یرفَعُ

التمرین الثانی

- ۱ ذَهَبْتُ
- ۲ یَصْدُقُونَ
- ۳ خیرٌ
- ۴ المریض
- ۵ أَخْرَجَ

التمرین السابع

- ۱ پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد.
الله: فاعل
- ۲ بزرگ‌ترین حماقت، زیاده‌روی در ستایش کردن و بدگویی نمودن است.
اکبر: مبتدا، الإغراق: خبر
- ۳ آیا مردم را به کار نیک دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید.
أنفس: مفعول
- ۴ دشمنی عاقل بهتر است از دوستی جاهل.
خیر: خبر
- ۵ من برای خود سود و ضرری را ندارم جز آن چه را که خدا خواهد.
نفعاً: مفعول - الله: فاعل
- ۶ محبوب‌ترین بندگان خدا در پیشگاه خدا سودمندترین آن‌ها برای بندگان اوست.
أحب: مبتدا - أنفع: خبر
- ۷ خدا آن چه را بخواهد می‌آفریند. و پروردگارت به کسی ستم نمی‌کند.
ما: مفعول، ربّ: فاعل
- ۸ سرور و آقای قوم، خدمتگزار آن‌ها در سفر است.
سید: مبتدا - فی السّفَر: جار و مجرور

التمرین الثالث

- ۱ هـ: مفعول - أحد: فاعل، هـ: مضاف الیه
- ۲ حسن: مبتدا - قُبِحَ: مفعول - التّسب: مضاف الیه
- ۳ لسان: فاعل - سائلاً: مفعول - مُطَهَّرًا: صفت
- ۴ الأتّجم: مبتدا - مُنتشرة: صفت
- ۵ اللّون: مبتدا - التّوم: مضاف الیه - مُهدئ: خبر
- ۶ کم: مفعول - مؤعظة: فاعل - کم: مضاف الیه
- ۷ الإعصاء: فاعل - الأشیاء: مفعول - السّماء: مجرور به حرف جر
- ۸ العاقل: مبتدا - الفرصة: مفعول

التمرین الرابع

- ۱ الوالد: مضاف الیه - عبادة: خبر - نظّر: مبتدا
- ۲ یغتنم: خبر - الفرصة: مفعول - یغتنم: فعل
- ۳ تُمارس: فعل - الجامعة: مضاف الیه - حراً: صفت
- ۴ عین: فاعل - البومة: مضاف الیه - ثابتة: خبر
- ۵ الأسماء: مبتدا - تُحوّل: خبر - تُحوّل: فعل
- ۶ صدیق: فاعل - إنتباه: فاعل - جمیلة: صفت - صورة: مفعول
- ۷ أحب: مبتدا - أنفع: خبر - لعباد: جار و مجرور

التمرین الثامن

- ۱ تحرّکت
- ۲ لا تُنزل
- ۳ إستخدام

التمرین الخامس

- ۱ فعل ماضی: تعارفتم: يك دیگر را شناختید - انبعت: برآمد
- ۲ فعل مضارع: یبتعد: دور می‌کند - لائشرك: شريك قرار نمی‌دهیم
- ۳ مصدر: إستماع: گوش کردن - إکراه: ناپسند داشتن
- ۴ امر مخاطب: إعتصموا: چنگ زنید - أنزلوا: پیاده شوید
- ۵ فعل نهی: لا تُکویل: کامل نکن - لا تُخرّج: بیرون نکن

ردیف	نمونه سؤالات امتحانی درس پنجم	نمره
	<p>للترجمة:</p> <p>المُواطنين يُمارسون الرياضة الصبّاحية.</p> <p>هل يمكن البشر يوماً أن يستفيد من تلك المعجزة.</p> <p>تستطيع التومة أن تُدير رأسها دائرة كاملة.</p> <p>قامت الحكومة بإرسال طائرة دون طيار.</p> <p>أحبُّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده.</p> <p>﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾</p> <p>هذه الأضواء تنبعث من نوع من البكتيريا المُضيئة.</p> <p>تعلم الحيوانات بغيرتها الأعشاب الطيبة.</p> <p>يلعق القط جرحه عدة مرات حتى يلتئم.</p> <p>﴿وَكَفَّرْنَا عَنْ سَيِّئَاتِنَا﴾</p>	٥
١١	أكتب معنى الكلمة التي تحتها خط:	٥/٠
١٢	رجاء، حرك ولكن لا تبعد عنا. للغراب صوت يُحدِّر به بقية الحيوانات.	
١٣	إملاً الفراغ مما بين القوسين: «ظلام - حاضِر - نُفاية - ضياء - جاهز - جامد» = ≠	٥/٠
١٤	أكتب مفرد الكلمتين: صدور: زيوت:	٥/٠
١٥	عين الكلمة الغريبة في المعنى أو النوع:	١
١٦	عَصِير <input type="checkbox"/> ماء <input type="checkbox"/> سحاب <input type="checkbox"/> شراب <input type="checkbox"/>	
١٧	الذئب <input type="checkbox"/> الكلب <input type="checkbox"/> الثعلب <input type="checkbox"/> الغراب <input type="checkbox"/>	
١٨	تستطيع <input type="checkbox"/> تتحرك <input type="checkbox"/> تقاعد <input type="checkbox"/> تمتلك <input type="checkbox"/>	
١٩	صادقات <input type="checkbox"/> لاعبون <input type="checkbox"/> غواصين <input type="checkbox"/> شاعرتين <input type="checkbox"/>	
١٩	عين الصحيح في الترجمة الجملات التالية: للبظ خزانات تحتوي زيتاً خاصاً فلا تتأثر بالماء: الف. ماهي كنجينه اي از چربي خاص دارد كه متأثر از آب نيست. ب. ارك مخزن هايي دارد كه روغن مخصوص را دربرمي گيرد كه آب در آن اثر نمي كند.	١
٢٠	لسان القط مملوء بغدد تُفرز سائلاً مطهراً: الف. زبان گربه پراست از غددي كه مايعی پاك را ترشح مي كنند. ب. زبان گربه داراي غددي است كه به صورت پاك جاري است.	
٢١	يُنصَح الجَدُّ الأطفال لِتَجاهِمهم: الف. پدربزرگ کودکان را برای موفقیتشان پند می دهد. ب. برای موفقیت آن ها پدربزرگ بچه ها را نصیحت نمود.	
٢٢	السُّكوتُ ذَهَبٌ وَ الكَلَامُ فُضَّةٌ: الف. سکوت، رفتنی است و سخن ماندنی است. ب. سکوت، طلاست و سخن گفتن نقره است.	

ردیف	نمونه سؤالات امتحانی درس پنجم	نمره
۲۳	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: الْمُمَرِّضَةُ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمَخْتَلِفَةِ می داند که چگونه مناسب را برای از بیماری های مختلف	۱
۲۴	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: أَغْلَبُ الْحَيَوَانَاتِ تَمْلِكُ لُغَةً عَامَةً.	۱/۵
۲۵	إِسْتَعَانَ الْبَشَرُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضْيِئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ.	
۲۶	فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا.	
۲۷	يَسْتَطِيعُ أَبِي التَّقَاطُ صُورَ فِي الصُّوِّءِ.	
۲۸	لَا تُعَوِّضُنِي هَذَا النِّقْصَ	
۲۹	سَأُعِيشُ فِي مُحَافِظَةِ خُرَاسَانَ	
۳۰	أَكْتُبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: النَّهْيُ مِنَ «تَتَفَرَّقُونَ»: (لا تَفَرَّقُوا، لا تَفَرَّقُوا، ما تَفَرَّقُوا)	۰/۷۵
۳۱	«سَمِعَ» عَلَى وَزْنِ «افْتَعَالَ»: (إِسْتَمَاعَ، إِسْمَاعَ، اِمْتِئَاعَ)	
۳۲	الْأَمْرُ مِنَ «تُشَاهَدُ»: (شَاهَدْتُ، أُشَاهِدُ، تُشَاهِدُ)	
۳۳	أَكْتُبِ الْأَعْدَادَ بِالْعَرَبِيَّةِ: بِيَسْتُ وَيُنِجُ:	۰/۵
۳۴	بِيَسْتُمْ:	
۳۵	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْأَعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: يَشْرَبُ الرَّجُلُ الْمَرِيضُ عَصِيرَ اللَّيْمُونِ.	۱/۲۵
۳۶	خَبِرَ نَجَاحٌ فَرِيْقَنَا أَثَارَ إِنْتِبَاهِ زَمَلَانِنَا.	
۳۷	نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى الْوَالِدِيَّةِ حَبِيبًا لَهَا عِبَادَةً.	
۳۸	عَيِّنِ الْفِعْلَ وَالْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ: يُفَرِّزُ لِسَانَ الْقِطِّ سَائِلًا مُطَهَّرًا.	۱/۵
۳۹	تَعْرِفُ حَيَوَانَاتِ الْغَايَةِ الْأَعْشَابَ الطَّيْبَةَ.	
۴۰	عَيِّنِ الْمَبْتَدَأَ وَالْخَبَرَ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	۱
۴۱	اللَّوْنُ الْبِنْفَسَجِيُّ لُغْرَفَةُ النَّوْمِ مُهْدِيُّ الْأَعْصَابِ.	
۴۲	صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجَمَةِ: عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ:	۱
۴۳	طَبَخْنَا طَعَامَ الْعِشَاءِ قَبْلَ سَاعَةِ مَعَ بَعْضٍ: دشمن عاقل بهتر است از دوست جاهل. غذای ظهر را ساعتی قبل با برخی آماده کردیم.	

ردیف	نمونہ سوالات امتحانی درس پنجم	نمبره
۴۴	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:</p> <p>اليوم يعلم البشر معلومات مفيدة عن الحيوانات كالقِطَّ والحرباء والغراب . يلعن القِطَّ جُرْحَهُ لِسَانِهِ لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا والحرباء تقدر على المشاهدة في اتجاهين في وقت واحد والغراب جاسوس الغابة بسبب صوت يحذر به الحيوانات لابتعادها السريع عن منطقة الخطر.</p> <p>الف. كيف لسان القِطَّ ؟ ب. ماذا تفعل الحرباء في وقت واحد ؟ ج. لم يسمى الغراب جاسوس الغابة ؟ د. تبتعد الحيوانات بعد تحذير الغراب .</p> <p><input type="checkbox"/> الصَّحِيح <input type="checkbox"/> الخَطَأ</p>	۱
۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸	<p>انتخب الكلمة المناسبة و اكتب في مكانها: (كلمتان زائدتان)</p> <p>«البومة، البط، الخادم، العش، رأس، دنب»</p> <p>۴۵. إِنَّ عَيْنَ ثابتةٌ ولا تتحرك . ۴۶. هو سيد القوم في السفر . ۴۷. تعيش الطيور في ۴۸. للظاوس جميلٌ .</p>	۱
۴۹ ۵۰	<p>أجب عن الأسئلة التالية:</p> <p>۴۹. من البَحْرِيُّ ؟ ۵۰. لم تذهب إلى المدائن ؟</p>	۱
	جمع نمرة	۲۰

آزمون غنی سازی

۱. عَيْنِ الْخَطَأِ لِلْفِرَاقِ:
- «..... مُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ رَاجُونَ مِنْهُ الْمَغْفِرَةَ»
- (۱) هم (۲) أنتم (۳) نحنُ (۴) أنتنَّ
۲. عَيْنِ الْخَبَرِ:
- «الْعُلَمَاءُ فِي الْأَرْضِ كَالنُّجُومِ فِي السَّمَاءِ»
- (۱) العلماءُ (۲) فِي الْأَرْضِ (۳) فِي السَّمَاءِ (۴) كَالنُّجُومِ
۳. ما هو إعراب «الْقَمَرُ» و «الْكُشُوفُ» في العبارة التالية:
- «الْقَمَرُ يَمُرُّ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالشَّمْسِ فَيُخَذُّ الْكُشُوفُ»
- (۱) فاعل - مبتدا (۲) فاعل - فاعل (۳) مبتدا - مبتدا (۴) مبتدا - فاعل
۴. ما هو إعراب «التَّصْوِيرِ» في العبارة التالية:
- «فَالأَدَبُ الْحَقِيقِيُّ هُوَ مَا كَثُرَ فِيهِ التَّصْوِيرُ»
- (۱) مبتدا (۲) فاعل (۳) خبر (۴) مفعول
۵. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:
- «الظَّالِمَاتُ لِلْمَعْلَمِ رِسَالَةً عَن دُرُوسِهِ»
- (۱) أَرْسَلْنَ / هُنَّ / يَسْأَلْنَ (۲) يُرْسَلْنَ / هُمْ / تَسْأَلُ
- (۳) تُرْسَلْنَ / هَا / تَسْأَلْنَ (۴) أُرْسَلَتْ / هَا / يَسْأَلُ
۶. ما هو الفاعل في العبارة التالية:
- «الْمُسْلِمُ مَن سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ»
- (۱) المسلم (۲) الناس (۳) يَد (۴) لسان
۷. الفعل الماضي من «يَتَّبَعُ»:
- (۱) بَعَدَ (۲) إِبْتَعَدَ (۳) إِبْتَعَادَ (۴) بَاعَدَ
۸. الأمر المخاطب من الفعل «تُشَاهِدُ»:
- (۱) شاهِدْ (۲) أشاهدْ (۳) أشهدْ (۴) تُشاهدْ
۹. عَيْنِ الْجَوَابِ الْمُنَاسِبِ فِي:
- «أَيُّنَ جَلَسَ التَّلَامِيذَةُ؟»
- (۱) جَلَسَ التَّلَامِيذَةُ فِي الصَّفِّ (۲) جَلَسَا التَّلَامِيذَةُ فِي الصَّفِّ
- (۳) جَلَسْنَا فِي الصَّفِّ (۴) جَلَسْتُمْ فِي الصَّفِّ
۱۰. صُغْ جُمْلَةً إِسْمِيَّةً مِنَ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:
- «لَا يَلِيْقُ بِالْإِنْسَانِ الْمُؤْمِنِ الْإِسْتِسْلَامُ إِلَى الْيَأْسِ.»
- (۱) الْإِنْسَانِ الْمُؤْمِنِ لَا يَلِيْقُ إِلَى الْيَأْسِ (۲) الْإِسْتِسْلَامُ الْإِنْسَانِ الْمُؤْمِنِ لَا يَلِيْقُ إِلَى الْيَأْسِ
- (۳) إِلَى الْيَأْسِ لَا يَلِيْقُ بِالْإِنْسَانِ الْمُؤْمِنِ الْإِسْتِسْلَامُ (۴) الْإِسْتِسْلَامُ إِلَى الْيَأْسِ لَا يَلِيْقُ بِالْإِنْسَانِ الْمُؤْمِنِ

پاسخ نمونه سوالات امتحانی

۱	شهروندان ورزش صبحگاهی را تمرین می‌کنند.	۲۶	بخش	۳۱	استماع
۲	آیا ممکن است بشر روزی از آن معجزه استفاده کند.	۲۷	گرفتن	۳۲	شاهد
۳	جغد می‌تواند سرش را به صورت يك دایره کامل بچرخاند.	۲۸	جبران نکن	۳۳	خمس و عشرون
۴	حکومت اقدام به فرستادن هواپیمای بدون سرنشین کرد.	۲۹	زندگی خواهم کرد	۳۴	عشرون
۵	محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین آن‌ها نسبت به بندگان‌شان هستند.	۳۰	لا تَقْرَؤا	۳۵	عصیر: مفعول
۶	بگودر زمین حرکت کنید و بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرد.	۳۶	فَرِيقٌ مضاف الیه		
۷	این نورها از نوعی باکتری درخشان برمی‌خیزد.	۳۷	نَظَرٌ: مبتدا - ه: مضاف الیه - عِبَادَةٌ: خبر		
۸	حیوانات با غریزه‌شان گیاهان طبی را می‌شناسند.	۳۸	يُفَرِّقُ: فعل - لِسَانٌ: فاعل - سَائِلًا: مفعول		
۹	گره زخمش را چندین بار می‌لیسد تا خوب شود.	۳۹	تَعْرِفُ: فعل - حَيَوَانَاتٌ: فاعل - الْأَعْشَابُ: مفعول		
۱۰	و گناهان ما را ببوشان.	۴۰	عِدَاوَةٌ: مبتدا - خَيْرٌ: خبر		
۱۱	دور نشو	۴۱	اللَّوْنُ: مبتدا - مُهْدِيٌّ: خبر		
۱۲	هشدار می‌دهد	۴۲	دشمن - دشمنی / دوست - دوستی		
۱۳	حاضر = جاهز / ظلام ≠ ضیاء	۴۳	غذای ظهر - شام / آماده کردیم - پختیم		
۱۴	صُدُورٌ - صَدْرٌ زُيُوتٌ - زَيْتٌ	۴۴	الف. مملوءٌ بِعَدِيدِ سَائِلًا مُطَهَّرًا ب. تُشَاهِدُ فِي اتِّجَاهَيْنِ ج. بِسَبَبِ صَوْتِ يُحَدِّثُ بِهِ الْحَيَوَانَاتِ د. الصَّحِيحِ		
۱۵	سَحَابٌ	۱۹	گزینه «ب»	۴۵	البومة
۱۶	الغُرَابُ	۲۰	گزینه «الف»	۴۶	الخدّام
۱۷	تَقَاعَدٌ	۲۱	گزینه «الف»	۴۷	العشّ
۱۸	شاعرتین	۲۲	گزینه «ب»	۴۸	ذَنَبٌ
۲۳	پرستار / گیاه / پیشگیری / به کار ببرد (به کار گیرد)			۴۹	هومن أكبر شعراء العرب
۲۴	مالک می‌باشند	۲۵	یاری جست	۵۰	لزیرة مرقد سلمان الفارسی

پاسخ آزمون غنی‌سازی

۱	گزینه «۴» «مؤمنون» اسم جمع مذکر سالم است و ضمیر «أنتنَّ» برای آن مناسب نیست.	۷	گزینه «۲» اگر به وزن فعل «یبتعدُ» دقت کنیم می‌فهمیم که بروزن «یبتعدُ» است و ماضی آن بروزن «إبتعدَ». (إبتعدَ)
۲	گزینه «۴» اگر جمله را به فارسی ترجمه کنیم «کالنجوم» معادل مسند فارسی است: دانشمندان در زمین مانند ستارگان‌اند در آسمان. به عبارتی اگر بعد از مبتدا چند جار و مجرور آمده معمولاً آن‌که با حرف جر «ک» آغاز می‌شود، خبر است.	۸	گزینه «۱» وقتی فعل امر را از مضارع مخاطب می‌سازیم اگر حرف مضارعه (ت) را از اول فعل حذف کنیم و ابتدا به ساکن نباشد با ساکن کردن آخر فعل در واقع فعل امر ساختیم؛ تُشَاهِدُ - شاهد اما اگر «ت» را از اول مضارع مخاطب برداریم و حرکت ابتدای فعل ساکن شود باید اول آن با توجه به حرکت عین الفعل، کسره یا فتحه بیاوریم: تَدْهَبُ - اِذْهَبْ تَنْظُرُ - أَنْظُرْ
۳	گزینه «۴» ترجمه عبارت: ماه میان زمین و خورشید حرکت می‌کند (می‌گذرد) و کسوف حادث می‌شود. القمر: که ابتدا آمده و مبتدا است و «الکسوف» نیز فاعل فعل «يُحْدِثُ» می‌باشد.	۹	گزینه «۱» ترجمه عبارت این است که: دانش‌آموزان کجا نشستند؟ در جواب قاعدتاً باید بگوییم دانش‌آموزان در کلاس نشستند، بنابراین گزینه «۱» جواب صحیح است.
۴	گزینه «۴» «كُتِرَ» فعل است و فاعل آن «التصويير» می‌باشد. ترجمه عبارت: ادبیات حقیقی آن است که در آن شکل و تصویر زیاد باشد.	۱۰	گزینه «۴» در این عبارت «الإستسلام» فاعل جمله است و باید ابتدا بیاید: ترجمه عبارت این است: برای انسان مؤمن تسلیم ناامیدی شدن شایسته نیست.
۵	گزینه «۱» ابتدای جمله با اسمی که جمع مؤنث سالم است (الطالبات) آغاز شده است بنابراین تمام افعال و ضمایری که به این اسم برمی‌گردند باید جمع مؤنث سالم باشند.		
۶	گزینه «۲» در این عبارت «سَلِمَ» فعل جمله است و «النَّاسُ» فاعل آن ترجمه عبارت: مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او سالم باشند.		